

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۰ جون ۲۰۲۱

"باش تا نفرین دوزخ از تو چه سازد" جلاد!

تلاش تبهکارانه دوباره رژیم جمهوری اسلامی در تخریب قبرهای زندانیان سیاسی که در جریان کشتارهای دهه ۶۰ این رژیم و نقطه اوج آن یعنی قتل عام سال ۶۷ در گورستان خاوران به خاک سپرده شدند، یکبار دیگر چهره دیو صفت جلادان حاکم و رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را با وضوح تمام در مقابل عموم به نمایش گذارد. بنا به گزارشات برخی از خانواده های قربانیان قتل عام دهه ۶۰، در اوایل اردیبهشت ماه [ثور]، آنها هنگامی که برای تازه کردن دیدار با عزیزانشان که چون برگ گلهای پَر پَر شده در خاوران آرمیده اند به آنجا می روند با ۱۰ قبر تازه روبرو می شوند که بر روی آرامگاه های بی نام و نشان فرزندان و عزیزانشان حفر شده اند. در تحقیقات بعدی معلوم می شود که با توجه به مجاورت آرامگاه بهائیان با گورستان خاوران، درخیمان جمهوری اسلامی به هموطنان بهائی فشار آورده اند که برای دفن اجسادشان یا باید آنها را در فاصله باریک بین قبرهای قدیمی درگذشتگان خود به خاک بسپارند و یا باید آنها را بر روی گورهای دستجمعی اعدامیان دهه ۶۰ به خاک بسپارند. در جریان بازدید از محل قبرهای جدید، روشن شده که عمق حفاری در قبرهای جدید تا جایی پیش رفته که به سیمان برخورد است. و این همان سیمانی ست که جلادان جمهوری اسلامی پس از خالی کردن بار کامیون های حاوی پیکرهای تیرباران شده زنده و مرده زندانیان سیاسی در گودالهایی که در خاوران حفر کرده بودند، روی آنها ریخته بودند تا جنایات کفتارگونه خود را به خیال خامشان از انظار عمومی پنهان سازند.

با پخش خبر تخریب خاوران توسط شهرداری تهران، این عمل تبهکارانه با اعتراض شدید خانواده های قربانیان آرمیده در گورستان خاوران و همچنین تشکلهای هموطنان بهائی روبرو گشت و آنها از این فشار ها و اقدامات جمهوری اسلامی اعلام انزجار کردند و در نامه هایی که متن آنها از طریق وسایل ارتباط جمعی به گوش افکار عمومی رسید ضمن محکوم کردن این اقدام ، خواهان به رسمیت شناختن "حقوق شهروندی" خود، توقف فشار بر بهائیان برای پیشبرد سیاست ننگین رژیم و حق خانواده ها برای دانستن محل دفن عزیزانشان و حفظ محل دفن آنها شدند. به طور مثال در یکی از این اطلاعیه ها نیز که با امضای "فرزندان" قتل عام شدگان دهه ۶۰ انتشار یافته آمده که "ما فرزندان اعدامیان سال های دهه ۶۰ و قتل عام تابستان ۱۳۶۷ ادامه دهنده همان راهی هستیم که مادران، پدران و همسران دادخواه بیش از ۳۰ سال طی کرده و بسیاری از آنان دیگر در میان ما نیستند".

تعرض برای تغییر چهره خاوران به عنوان سند زنده یکی از نسل‌کشی‌های توصیف ناپذیر جمهوری اسلامی، این رژیم ماحصل کنفرانس گوادلوپ و تلاش مذبوحانه دست اندرکاران این رژیم برای پاک کردن حافظه تاریخی جامعه در مورد این جنایت، اولین بار نیست که صورت می‌گیرد. از همان زمانی که با نخستین تلاشهای خانواده‌های قربانیان این نسل‌کشی، پرده از گوشه‌ای از جنایت خونین جمهوری اسلامی در دفن هزاران تن از اعدام‌شدگان ماشین مرگ جمهوری اسلامی در گورستان خاوران برداشته شد، خاوران به میعادگاه خانواده‌ها و بستگان زجر دیده و همچنین جوانان مبارزی تبدیل شد که نسل آنها با وجودی که در زمان این جنایت حتی بدنیا نیامده بود، اما از طریق پدر و مادران و بستگان خویش ار آرمانهای آن جان‌های شفیفته خفته در زیر خاک خاوران آگاه بودند و هر سال در سالگرد این جنایت ننگین برای پاس‌داشت یاد و راه آن عزیزان در این گورستان جمع می‌شدند. با تلاشهای خانواده‌ها و حمایت‌های نیروهای مبارز و مردمی، خاوران خیلی زود شهرتی جهانی یافت و این منطقه دورافتاده و ناشناخته جنوب شهر تهران به نمادی از مقاومت، پایداری، مبارزه با ظلم و سرکوب تبدیل شد.

برای خانواده‌های داغدار جانب‌باختگان، برای فعالین کارگری، برای زنان، برای فعالین جنبشهای اجتماعی و هر فرد و تشکلی که به هر دلیلی، به خاطر احقاق حقوق خویش، از مطالبه دستمزد عادلانه از سرمایه‌داران و دولت گرفته، تا مخالفت با استبداد و استثمار یا به میدان مبارزه با جمهوری اسلامی گذاشته‌اند، خاوران در هر مناسبتی یک عرصه مبارزه و نه گفتن به رژیم تبهکار جمهوری اسلامی بوده است. بیهوده نیست که هر بار که ترانه - سرود "سراومد زمستون، شکفته بهارون" پدران و مادران و همسران و فرزندان و بستگان شجاع هر یک از آن خفتگان در خاک، از خاوران بر می‌خیزد، لرزه بر پیکر ارتجاع می‌افتد و خیل نیروهای اهریمنی وزارت اطلاعات و سایر دار و دسته‌های سرکوبگر و اوباش حکومت به گلزار خاوران حمله می‌برند و با ضربات باتوم و ضرب و شتم و دستگیری مشتی انسان بی دفاع و ستمدیده، خشم و هراس خود از این تکه خاک خونین و پیکرهای مبارزین خفته در آن به نمایش می‌گذارند. آنها حتی از مرده‌های آن عزیزان نیز می‌ترسند. چرا که استثمارگران و مرتجعان نیز در تجربه حکومت‌های ظالمانه و مردم‌ستیز خویش می‌دانند که "این پدرها به خاک نمی‌ماند... خون است و ماندگار"

درست به همین دلیل است که با گذشت زمان، خاوران به خاطر الهام بخشی در مورد راه و آرمانهای آزادیخواهانه مبارزین خفته در خاوران مانند استخوانی در گلو سگان زنجیری حاکم گیر کرده است و دولتمردان جمهوری اسلامی با استفاده از ددمنشانه‌ترین و رذلت‌ترین شیوه‌ها از سرکوب و بگیر و ببند مادر و پدران که نسل گرفته تا دستور حفر قبرهای جدید در محل خاوران می‌کوشند تا به خیال خود این صفحه ننگین کارنامه سراسر جنایت خود را از دفتر تاریخ پاک کنند.

البته این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی به صرافت حمله برای از بین بردن خاوران و از این طریق اضمحلال یکی از نمادهای مبارزاتی مردم ستمدیده ایران افتاده است. در دی و بهمن سال ۱۳۸۷ یعنی چند ماه قبل از جنبش توده‌ای سال ۸۸، مزدوران رژیم تبهکار جمهوری اسلامی با بولدوزر به جان گلزار خاوران افتادند و به بهانه "طرح توسعه و ساماندهی گورستان‌های اقلیت‌های مذهبی" به قول بستگان جانب‌باختگان "آنجا را زیر و رو کردند". بنا به اظهارات خانواده‌ها هنگام هجوم مامورین مزدور حکومت با بولدوزرهایشان برای تغییر گورستان خاوران، برخی "استخوان‌ها و سایر بقایای قربانیان، از جمله لباس، پتو و دیگر متعلقات آنها، در جریان خاکبرداری زیر و رو شد". و ننگ توصیف ناپذیر جنایت تاریخی حکومت بار دیگر در مقابل چشم همگان به نمایش درآمد. اما این اقدام تبهکارانه با اعتراض مردمی و خشم افکار عمومی عقیم ماند و در آن زمان ادامه نیافت. در ماه‌های خرداد و تیر ۱۳۸۸ نیز، بنا

به گزارشات برخی از نهادهای "حقوق بشری" مامورین رژیم بار دیگر با هجوم برای تخریب خاوران "قصد محو آثار گورستان و تبدیل آن به پارک یا فضای سبز" کردند.

تعرض به گورهای بی نام و نشان هزاران تن از بهترین فرزندان این سرزمین که در دهه خونین ۶۰ به دست جلادان جمهوری اسلامی قتل عام شده و در "خاورانها" و به قول مزدوران رژیم، "لغت آبادها" و... بدون اطلاع به عزیزانشان دفن شدند تنها به تعرض به خاوران تهران محدود نشده است. نظیر همین برنامه با آهنگ متفاوت در مورد خاورانهای شهرهای دیگر نظیر اهواز، شیراز، بندر عباس، اراک و ... در حال اجراست.

واقعیت این است که سردمداران جمهوری اسلامی که برای سرکوب انقلاب مردمی سالهای ۵۶-۵۷ از طرف اربابان جهانی شان بر جان و مال مردم ما سلطه یافتند و از همان اولین روزهای روی کار آمدنشان ایران را به مسلخ کارگران و زحمتکشان و زنان و جوانان و خلقهای تحت ستم تبدیل نمودند، در سالهای اخیر با شورشهای متوالی گرسنگان و به صحنه آمدن نسلهای جوان مبارز روبرو بوده اند. حمله برای نابودی "خاوران ها" یکی از تمهیدات رژیم در چارچوب مبارزه با امواج جدید انقلابی ست. جلادان می خواهند هر سند جنایت خویش و هر سمبل مبارزه و مقاومت مردمی که دلیلی برای تجمع و تشکل است را از بین ببرند. به همین دلیل است که مامورین جمهوری اسلامی در سراسر کشور و در هر کجا که گوشه ای از اسناد جنایات این حکومت در قامت زنان و مردان آزادیخواه و در خاک خفته همچنان وجود دارد، به این محلها حمله برده و در صدد نابود کردن و تغییر آنها برآمده اند. نابودی خاوران های شناخته شده و ناشناخته در نقاط مختلف کشور ما یک برنامه ضد انقلابی است.

در سال ۲۰۱۸ در اهواز گورهای جمعی اعدام شدگان در این شهر در عرض ۲۴ ساعت با خاک یکسان شد. این بخش از گورستان مدفن ۴۴ جسد زندانیان سیاسی زن و مرد دلیر بود که در سال ۱۳۶۷ اعدام شده بودند. در بندر عباس نیز مقامات رژیم به بهانه جاده کشی در حال قانونی ساختن انهدام قبر مبارزین انقلابی ای هستند که گورهای آنان در مجاورت محل احداث جاده قرار دارد. در شهر اراک نیز در دامنه کوه های مودر جایی که محل دفن یازده تن از کمونیستها و مبارزین به خون خفته در سال ۶۱ می باشد، هم اکنون مقامات حکومت جاده ای را تا مجاورت قبرهای آن عزیزان کشیده و در صدد تخریب آنها می باشند.

علاوه بر موارد فوق در سال ۹۶ در تهران نیز اخباری مبنی بر تلاش جلادان حکومت برای تخریب قطعه ۴۱ بهشت زهرا که محل دفن تعدادی از مخالفین و مبارزین اعدام شده در دهه ۶۰ است پخش شد؛ این قطعه در کنار قطعه ۳۳ بهشت زهرا قرار دارد که آرامگاه برخی از جانبازان چریکهای فدائی خلق و مجاهدین دهه ۵۰ در مبارزه علیه رژیم تبهکار شاه می باشد.

گزارشات گوناگونی که تا کنون و در طول چهار دهه گذشته توسط بستگان اعدام شدگان و دوستداران آنها پخش شده بیانگر آن است که مزدوران جمهوری اسلامی از هیچ بی احترامی و حرمت شکنی ای در حق جنازه های مبارزین در خاک خفته و گورهای آنان نظیر شکستن سنگ قبرها، زیرو رو کردن و به هم ریختن خاک و بی حرمتی و بگیر و ببند خانواده ها و عزیزان این قربانیان و ... خودداری نکرده اند. در مقابل، در تمام طول این سالها تمامی خاورانها در سراسر کشور توسط خانواده های ستمدیده قربانیان، مردم آزادیخواه و "عابران خوب و ناشناس" دور از چشم سگان زنجیری حاکم گلباران شده و همین امر باعث هراس و خشم سران جمهوری اسلامی گشته است.

رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در طول بیش از چهار دهه حکمرانی خود به جنایات بی حد و مرزی علیه کارگران و زحمتکشان و توده های تحت ستم ما مبادرت ورزیده است. کشتار خونین دهه ۶۰ و در نقطه اوج آن قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ یکی از برجسته ترین جنایات جمهوری اسلامی برای سرکوب انقلاب و جنبش توده های

محروم ماست که ننگ آن به رغم تمامی تلاشهای ریاکارانه دولتمردان نظام در برهه های مختلف همواره بر پیشانی این رژیم خون‌آشام و غارتگر باقی خواهد ماند. خاوران دیگر شهرت جهانی پیدا کرده و در ادبیات مردمی، در شعرها و حماسه سرایی های شاعران و در یک کلام در حافظه تاریخی توده ها ثبت شده و هیچ ترفند و جنایتی از طرف جمهوری اسلامی ضد خلقی و اربابانش قادر به تغییر این واقعیت نبوده و نخواهد بود.

در دهه خونین ۶۰ سردمداران مزدور جمهوری اسلامی برای برآوردن منافع سرمایه داران رذل و زالو صفت داخلی و امپریالیستها بی رحمانه به سرکوب انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ما دست زدند و در این راه "گورستانها چندان بی مرز شیار کردند که مادران را هنوز خونابه از چشم روان است". اکنون آوار سهمگین ناشی از این نسل کشی و جنایت تاریخی در قامت شورشهای گرسنگان و اعتراضات توده ای هر روز گریبان تبهکاران حاکم را گرفته است و همانهایی که روزگاری با افتخار از جنایات خود نظیر قتل عام جوانان مردم و نمایش آن در انظار عمومی با هدف گسترش خفقان و ایجاد رعب و وحشت عربده می کشیدند، با خواری و خفت و رسوائی تمام به راه افتاده اند تا دور از چشم مردم به خیال خود با نابود کردن و محو آثار و باقیمانده های آن جنایات عظیم، چهره حکومت ضد مردمی و منفور خویش را بپوشانند. اما هر جفائی که مزدوران حاکم با تعرض به آرامگاه فرزندان مبارز و آزادیخواه مردم ما و تلاش برای محو بقایای استخوانهای آنها می کنند ، تنها و تنها تیغ خنجر انتقام مقدس خلق را علیه آنها تیز و تیزتر خواهد ساخت. نوای زندگی بخش "سراومد زمستون؛ شکفته بهارون و یه جنگل ستاره داره" هر روز بیشتر در قامت شورش ستمکشان و رنجدیدگان گرسنه و خشمگین می رود تا به طوفانی بنیان افکن تبدیل شود و سرانجام تمامی بساط سرکوب و شکنجه و زندان و اعدام این رژیم آزادی ستیز را در هم بیچد و جنایتکاران را به سزای بخشی از اعمال خویش برساند.

"باش تا نفرین دوزخ از تو چه سازد" جلاد!

به نقل از: پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۶۲ ، اردیبهشت ماه ۱۴۰۰